



افشا



برش

شهید علی هاشمی را کنارم احساس کردم

رضا مسعودی درباره دشواری‌های ایفای نقش شهید علی هاشمی به جام جم گفت: شاید اغراق باشد اما به جعفر نامی، دستیار یک کارگردان همیشه می‌گفتم احساس می‌کنم که شهید علی هاشمی در کنارم بود. جدی می‌گویم؛ چون در جاهایی سکانس‌های سختی داشتم. به عنوان مثال، یک سکانس سخت در هور داشتم که بعد از تمام شدن واقعا حس می‌کردم که شهید علی هاشمی کنارم است و خود این شهید باعث شد که موانع زیادی برطرف و اسفند ساخته شود. اگر با آقای دانش مصاحبه کنید، او هم می‌تواند بگوید که موانع زیادی بر سر راه کارش بود. احساس می‌کنم سینما به یک فرمانده عرب باهوش مثل شهید علی هاشمی یک فیلم بدھکار بود.

عرب است و این موضوع خیلی به من کمک کرد. سید علی هاشمی عربی صحبت می‌کرد و فکر می‌کنم یکی از دلایل مهمی که آقای دانش پافشاری می‌کرد که من بازی کنم، همین بود که من جغرافیای جنوب را به خوبی به همراه آدم هایش می‌شناختم. سید علی هاشمی در حصیرآباد زندگی می‌کرد و بعد از پایان جنگ، ما در آنجا زندگی کردیم. ما یک سال در حصیرآباد بودیم و بعد به اهواز و سپس به خرمشهر و آبادان رفتیم. من واقعا آشنایی خوبی با آدم‌های جنوب داشتم.

[۲] بعضی معتقدند که سینمای ما به قهرمان نیازی ندارد و مردم خودشان قهرمان محسوب می‌شوند اما بعضی نیز معتقدند هنوز قهرمانانی در سینمای ما وجود دارند که باید بیشتر به آنها پرداخته شود. نظر شما در این رابطه چیست؟

ما هنوز به قهرمانانی نیاز داریم که قصه‌های شان روایت سینمای امروز ما را شکل دهند. من فکر می‌کنم باید این قهرمان‌ها را نشان دهیم.

باور کنید اگر مشابه عملیات خیبر در کشورهای دیگر به وقوع می‌پیوست، هالیوود یا بالیوود خیلی زود فیلمش را می‌ساختند، چون همان‌گونه که گفتم این یک اتفاق بزرگ بود و مشابه آن در جهان رخ نداده بود. بنابراین، ما باید قهرمانان خود را معرفی کنیم، چون کار بزرگی انجام دادند. کشورهای دیگر از هیچ داستان می‌سازند اما این قهرمانان را داریم و واقعی هستند.

قصه ما خیلی جنگی نیست و روایت قصه ما بیشتر حکایت از مدیریت، تدبیر و از خودگذشتگی آدم‌ها دارد. فیلم‌هایی نظیر اسفند مثل درس‌هایی هستند که می‌توانند در شرایط بحرانی، مانند زلزله یا سیل، کمک کنند تا بدانیم انسان‌های باهوش چطور در مواقع بحرانی می‌توانند کنار هم قرار بگیرند و مشکلات را حل کنند. عملیات خیبر کاری نشدنی بود اما با کمک این افراد باهوش امکان پذیر شد. بنابراین، به نظر، قهرمانان همیشه باید مورد احترام قرار بگیرند و ما باید آنها را به نمایش بگذاریم.

گزارش

چالش‌های ایفای نقش در یک درام تاریخی



عزل بنی صدر روایت می‌شود از آن دست آثاری است که سردرگم به نظر می‌رسد. این سردرگمی که کاملا ناشی از فیلمنامه چندپاره اثر است، باعث شده تا فیلم نتواند یک روایت مستقیم را دنبال کند و اصطلاحا از این شاخه به آن شاخه بپرد. به این صورت که یک سوم ابتدایی فیلم خود را یک معمایی - اطلاعاتی معرفی می‌کند و از همان ابتدا هم می‌گوید قرار است تا ادای دو فیلم ماجرای نیمروز را در بیاورد، یک نیروی اطلاعاتی که همه چیز را بر پایه اطلاعات می‌سنجد نه احساسات، یک نیروی میدانی که مدام در فکر حمله به مواضع کمونیست‌هاست و یک چریک آموزش دیده که بیشتر به یک رمبو شبیه است تا چریک ایدئولوژیک که بر سر اعتقادات خود می‌جنگد. فارغ از این که هر کدام از این شخصیت‌ها چقدر درست از کار درآمده‌اند، فیلم راه خود را پیش می‌گیرد تا زمانی که شخصیت‌های جدیدی وارد فیلم شوند. اینجاست که فیلم بیشتر به مولودرامی جاسوسی تبدیل می‌شود و از فاز اطلاعاتی - معمایی خود فاصله می‌گیرد.

در نهایت تئوری است که در فیلم اتفاق می‌افتد؛ تئوری که طبق هیچ منطقی نیست و حتی کارکردی که باید داشته باشد هم ندارد. در سکانس‌های پایانی، با وضعیتی شلوغ و بی‌منطق مواجه می‌شویم و واکنش شما نسبت به این سکانس‌ها احتمالا ناشی از سؤالاتی است که در ذهن‌تان شکل می‌گیرد. خلاصه این که دو فیلم اول جشنواره فجر آنچنان که باید و شاید نتوانستند نظر اهالی حرفه‌ای سینما را جلب کنند.



دیگری از نشست، کارگردان درباره منابع تاریخی مورد استفاده در فیلم گفت: «تحقیقات گسترده‌ای در حوزه جنگ شهری و طراحی میزانش‌ها داشتیم و منابع مکتوب مختلفی مطالعه شد.» در پایان نشست، کارگردان از حمایت‌های تهیه‌کننده و عوامل فیلم قدردانی و برای تمامی حاضران در جشنواره آرزوی موفقیت کرد. فیلم بازی خونی که از نظر زمانی در دوره بعد از فیلم «صیاد» یعنی

نشست خبری فیلم سینمایی «بازی خونی» ۱۲ بهمن، با حضور عوامل و بازیگران این اثر در جشنواره فیلم فجر برگزار شد. در این جلسه، کارگردان و بازیگران درباره چالش‌های ایفای نقش در یک درام تاریخی و نحوه ارتباط‌شان با موضوع فیلم صحبت کردند. مسعود هاشمی نژاد، نویسنده بازی خونی، در ابتدای نشست گفت: «این فیلم یک درام تاریخی است که در کنار اسنادهای تاریخی، بخش‌هایی از آن با تخیل و پرداخت دراماتیک همراه بوده تا بار احساسی و تأثیرگذاری بیشتری داشته باشد.»

شادی مختاری، یکی از بازیگران، درباره ارتباط خود با موضوع تاریخی فیلم گفت: «من همیشه به فیلم‌های تاریخی، به ویژه تاریخ معاصر، علاقه داشتم و مطالعات زیادی در این زمینه انجام داده‌ام. این موضوع به من کمک کرد تا ارتباط بهتری با نقش خود برقرار کنم.» حسین میرزاحمدی، کارگردان اثر، در پاسخ به تغییر مسیر خود از موضوعات اجتماعی به ژانر امنیتی و تاریخی بیان کرد: «فیلم قبلی من در ژانر معمایی - جنایی بود اما این بار تصمیم گرفتم درام تاریخی معاصر را با زیرلایه‌های جاسوسی و معمایی تجربه کنم.» سارا حاتمی نیز درباره تجربه بازی در این فیلم اظهار کرد: «زیستن در شخصیت‌هایی که فاصله زیادی با زندگی واقعی من دارند، برایم جذاب است.»

این فیلم یکی از چالش‌برانگیزترین تجربه‌های بازیگری من بود اما در عین حال بسیار از آن لذت بردم. کیسان دیباج، یکی دیگر از بازیگران فیلم، گفت: «آثاری که بر پایه واقعیت‌ها و مصداق‌های موجود ساخته می‌شود، بسیار جذاب است و به یک متن خوب نیاز دارد که نویسنده به خوبی از پس آن برآمده است.»

پیام احمدی‌نیا درباره چالش‌های بازی در بازی خونی توضیح داد: «ما چند ماه در جنگل‌های شمال کار کردیم و کوشیدم شخصیتی متفاوت از آنچه در «ماجرای نیمروز» بازی شده بود، ارائه دهم.» ارسطو خوش‌رزم نیز درباره تجربه حضور در یک فیلم تاریخی گفت: «این فیلم به یک واقعه کمتر پرداخته شده اشاره دارد و امیدوارم به عنوان مرجع سینمایی برای روایت این واقعه تاریخی مطرح شود.»

حسین میرزاحمدی همچنین درباره استفاده از موسیقی در فیلم توضیح داد: «موسیقی در این فیلم تنها یک عنصر شنیداری نیست بلکه در خلق جهان فیلم نقش مهمی دارد و ما از موسیقی‌هایی برای فضاسازی استفاده کردیم.» در بخش

خبری

شهید صیاد شیرازی



«راز منصور» روایتگر زندگی شهید منصور ستاری بود و «تا آسمان غرب» دلاورمندی هوانیروز و شهید علی اکبر شیرودی را به تصویر می‌کشید. در فجر چهل و سوم نیز یکی از امرا شهید ارتش وارد قاب هنر شده است؛ شهیدی که خود زمانی پایه‌گذار دوره آشنایی با جنگ برای سربازان بود و اکنون به سوزهای برای آشنایی آحاد جامعه با جنگ شد.

درباره فیلم صیاد باید گفت به رغم تمام تلاشی که برای این فیلم شده اما فیلم با آنچه از آن انتظار می‌رفت فاصله بسیاری دارد. اولین نکته‌ای که در یک فیلم تاریخی مخصوصا تاریخ معاصر مهم است چهره‌پردازی کاراکترهاست که در وارد شدن مخاطبان به جهان داستانی کمک بسزایی داشته باشد؛ چیزی که در فیلم صیاد چندان خبری از آن نیست و تنها در چهره‌پردازی محسن رضایی است که شباهت بسیاری وجود دارد. نکته دیگر طراحی صحنه‌های جنگ است؛ مشکلی که نه فقط در فیلم صیاد که معضلی برای تمام فیلم‌های دفاع مقدس ایران بوده که نتیجه آن ایجاد سکانس‌هایی باسهم‌ای است اما در مقابل ضعف‌هایی که وقتی فیلم را می‌بینید متوجه آن می‌شوید و آن موضوعی است که جواد افشار به عنوان کارگردان روی آن دست گذاشته است. بی‌شک زندگی شهید علی صیادشیرازی بر از موقعیت‌های دراماتیک است که هریک می‌توانند سوزهای برای یک اثر نمایشی باشند. افشار اما دست روی نقطه‌ای گذاشته که شروع پیروزی‌های ایران اسلامی تا به امروز است یعنی دوره‌ای که شهید صیاد شیرازی تلاش خود را بر اتحاد نیروهای نظامی یعنی ارتش و سپاه گذاشت؛ کاری که نمره آن راحتی در زمانه امروز نیز می‌توان دید.

هر د و گفت: «مهم‌ترین هدف ما تدابیر جنگ و انقلاب است.» علی ، در این نشست گفت: «توانستم و کنم و خاطرات زیادی را بشنوم. میم‌گیری‌هایش را با ایمان کامل ن، تدوینگر فیلم، نیز اظهار کرد: دیده شده و باید بررسی کنیم که آیا یی خواهد داشت یا نه.» محمدرضا «امیدوارم این فیلم دیده شود و ...» رز رضوی نیز درباره نقش خود ن افتخار بزرگی بود.» هم کم یا زیاد بودن در کار نیست، است.» ایوب آقاخان نیز گفت: رسپایش زیادی همراه بود و تنها از آن رضایت داشته باشند.» او در یتی مظلوم بود که پیام وحدت را که به پدافند ارتش نیاز داریم، به ...»

این نکته اتفاق نظر داریم که در به یاد و شاید به نقش ارتش توجه اما سینماگران توجه ویژه‌ای به لم‌های گوناگونی تولید کرده‌اند.